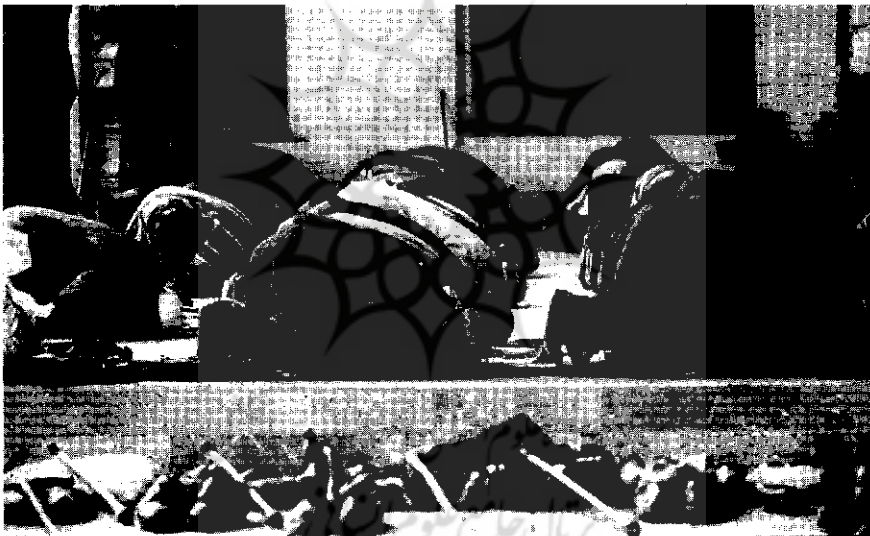


## رشد مذهب و وضع نشریه‌های دینی در تاجیکستان

• دکتر لقمان بایمت‌اف



و شب هفت و چهلم سال و نوع عزاداری زنان و جشن‌های نوروز، سده، مهرگان و غیره را با شکل اسلامی ایرانی برگزار می‌کنند. رسوم و سنت‌های ملی و مذهبی در زندگی مردم جایگاه ویژه‌ای دارد. جشن نوروز، سده، مهرگان و عیدهای مذهبی مانند عید فطر و عید قربان در این جمهوری مانند سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی برگزار می‌شود. نوروز و عید فطر از طرف دولت به عنوان تعطیل رسمی اعلام شده است. حضور وسیع روس‌ها در آسیای مرکزی نزدیک به ۱۵۰ سال خصوصاً از ۱۹۲۰ یعنی بعد از انقلاب بولشویک بر تفکر ملی مسلمانان این منطقه، تأثیر جدی گذاشته است. بعد از اصلاحات خط (۱۹۳۶) در تاجیکستان افرادی که به فارسی - تاجیکی صحبت می‌کردند اغلب نمی‌توانستند فارسی را بخوانند یا بنویسند. در اوایل دهه نود قرن بیستم (۱۹۹۱) در نتیجه تلاش‌های روشنفکران جمهوری، زبان تاجیکی زبان دولتی اعلام شد. تقریباً کل طبقات جامعه تاجیکستان از این اقدام جانبداری کردند، اما

۱- توصیف عمومی (اشاره). به علت هفتاد سال سلطه کمونیست در آسیای مرکزی و تاجیکستان عقاید دینی و مذهبی بین مردم ضعیف شد، اما تبلیغات آتیسیم - بی‌خدایی - نتوانست دین و عقاید آنها را از بین ببرد. حتی در زمان شوروی افراد سالخورده و میانسال که روحیه مذهبی، فرهنگ اسلامی و فرهنگ بومی - تاجیکی داشتند و ایرانی بودن در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی و خصوصیات اخلاقی آنها متجلی بود و به رغم تمام تبلیغات اهالی مسلمان آسیای مرکزی حتی کادرهای بالای حزب کمونیسم بعضی مراسم مذهبی مانند ازدواج، تدفین و ختنه را انجام می‌دادند. بعد از کسب استقلال و آزادی در تاجیکستان علاقه زیادی به انجام فرایض دینی، قرآن و کتب مذهبی در میان تاجیکان مشاهده می‌شد. مردم تاجیکستان از نظر فرهنگ و اعتقادات با ایرانیان وابستگی‌های تاریخی فرهنگی بسیاری دارند. چنانچه مراسم نام‌گذاری فرزندان و درج نام آنها در پشت قرآن مجید، مراسم ازدواج و تدفین، ختم



از جنگ‌های داخلی در تاجیکستان بیست هزار و در شهر دوشنبه پانزده هزار یهودی زندگی می‌کرد که به دلیل تغییرات سیاسی و اجتماعی تاجیکستان اکثر آنان این سرزمین را ترک کردند و به اسرائیل و امریکا مهاجرت نمودند. ۱۹۹۳ م در دوشنبه حدود پنج هزار یهودی ساکن بود.

سیاست حکومت شوروی دربارهٔ مذهب در سال‌های اول و بعد از آن متفاوت بوده است. بعد از انقلاب بلشویکی، لنین و طرفداران وی می‌دانستند که حملهٔ مستقیم به عقاید مذهبی مسلمانان روسیه و آسیای مرکزی عواقب بدی خواهد داشت. به این علت با مسائل مذهبی به آرامی برخورد نمودند. در ۱۹۱۸ م استالین که ریاست کمیسریای ملیت‌ها را به عهده داشت، کمیسریای مسائل مسلمانان را تأسیس کرد و سه روشنفکر مسلمان را در رأس آن قرار داد. هدف اصلی این اقدام برقراری دفاتر و کمیته‌هایی در سرزمین‌های مسلمان نشین بود تا به مسائل آنها رسیدگی کند، اما طولی نکشید که آن منحل شد. از ۱۹۲۴ کمونیست‌های رهبران دولت شوروی سعی کردند که سازمان‌های مذهبی را از بین ببرند و در ۱۹۲۴ محاکم شرعی را که بر اساس شریعت بود منحل کردند. پس از این سیاست ضد دینی حکومت شوروی در تمام کشور به خصوص در مناطق مسلمان نشین وسعت یافت. در ۱۹۲۸ مکتب‌خانه‌ها و مدارس که زیر نظر روحانیون بود تعطیل شد. بین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۰ تمام اموال موقوفه را مصادره کردند و به این ترتیب استقلال مالی مراکز مذهبی را از آنان گرفتند. روحانیون، علمای دین و مذهب و اهل سواد تعقیب شدند و بسیاری از روشنفکران و اهل سواد زندانی شدند یا به بدرغه فرستاده شدند. حملهٔ مستقیم به مذهب تاجیک دوم جهانی ادامه یافت. در این ایام تعداد مساجد از ۲۶۰۰۰ باب به ۱۳۱۲ باب در ۱۹۴۲ در سراسر آسیای مرکزی کاهش یافت. مدارس و مساجد مسلمانان را یا نابود، یا به انبار تبدیل کردند.

در ۱۹۴۱ ادارات روحانی اتحاد جماهیر شوروی به دستور استالین تأسیس شد. فعالیت‌های آن، برای برنامه‌های مذهبی تحت کنترل شورای وزیران شوروی بود. این شورا به تمام مسائل مربوط به ادیان و مذاهب مختلف به جز کلیسای ارتدوکس رسیدگی می‌کرد. همه فعالیت‌های دینی - مذهبی کارمندان دینی زیر نظر دولت بود و تا زمان میخائیل گورباچوف و پی‌ریسیستروویکو وضع تغییر نیافت.

بر اثر بحران اقتصادی تغییر الفبا و اصلاحات خط به کندی پیش می‌رفت. جامعهٔ تاجیکستان از فرهنگ‌های جهانی و مردم منطقه به دلیل تحمیل ایدئولوژی دولت حاکم در زمان شوروی و به علت نداشتن اطلاعات لازم و محدود بودن آزادی مطبوعات مردم از فرهنگ و علم و اطلاعات دور ماندند. ولی اکنون برای حفظ میراث و حیات فرهنگی، حرکت‌هایی صورت می‌گیرد. اخیراً، جامعه به مسائل خودشناسی و خودآگاهی ملی توجه بیشتری دارد، اما دولت حاکم برای وسعت این روند موانع زیادی ایجاد کرده است و سیاست فرهنگی حکومت در این مرحله دچار بحران شده است. فرهنگیان از سیاست فرهنگی دولت راضی نیستند و سطح علم و فرهنگ در مقایسه با دوران شوروی بسیار افت کرده است.

۲- رشد مذهب و ریاست مذهبی حکومت تاجیکستان. مذهب اکثر مردم تاجیکستان و آسیای مرکزی سنی و از شاخهٔ حنفی است. مردم تاجیکستان ابوحنیفه را به عنوان امام اعظم می‌شناسند، البته گروه کوچکی از شیعیان اسماعیلی در کوهستان پامیر در منطقه بدخشان زندگی می‌کنند. تعدادی مسلمان شافعی مذهب نیز در تاجیکستان هستند. اهل سنت تاجیکستان به خصوص در تاجیکستان شمالی به اهل بیت و ائمه شیعه و به ویژه برای امام علی (ع)، امام حسین (ع) و امام جعفر صادق (ع) احترام خاصی قائل‌اند. در حال حاضر گروهی از اهل سنت خود را به خاندان اهل بیت منسوب می‌دانند و این گروه را صوفی می‌نامند که رهبران آنها لقب «ایشان» یا «خواجه» دارند.

مسلمانان بدخشان تاجیکستان پیروان مذهب اسماعیلیه تحت رهبری آقاخان هستند. مشرق و جنوب شرقی تاجیکستان محل اقامت این دسته از تاجیکان است. در حال حاضر نود درصد شیعیان ساکن بدخشان شیعهٔ اسماعیلی و ده درصد نیز اثناعشری هستند. اخیراً، نفوذ آقاخان بر اسماعیلیان بدخشان بیشتر شده است و اسماعیلیان بدخشان با کریم آقاخان، رهبر تمام اسماعیلیان جهان ارتباطی تنگاتنگ دارد.

گروهی از اقلیت‌های مسیحی، بهایی، زرتشتی و یهودی در تاجیکستان می‌زیند. مسیحیان دارای کلیسا و گورستان معروفی در دوشنبه و خجندانند که اکثر آنها روسی و مهاجران آلمانی تباراند. طبق آمار رسمی قبل



### ۳- تشکیلات و رهبران دینی

بعد از استقلال تاجیکستان انجام فرایض دینی آزاد شد و اکنون هم سیاست دولت تاجیکستان بر جدایی مذهب از سیاست استوار است. در زمان شوروی رسیدگی به امور مذهبی مسلمانان پنج جمهوری آسیای مرکزی به اداره روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان محول گردید. مرکز این اداره در شهر تاشکند بود و زبان رسمی آن ازبکی اعلام شده بود. در رأس این اداره «مفتی» قرار داشت و نماینده این اداره در هر یک از پنج جمهوری را قاضی می‌گفتند که در رأس «اداره قاضیات» انجام وظیفه می‌کرد. تا سال ۱۹۹۴ اداره‌های دینی تاجیکستان و جمهوری‌های دیگر با تشکیلات روحانی آسیای مرکزی در شهر تاشکند در ارتباط بودند و از این مرکز کمک مالی دریافت می‌کردند، اما در سال‌های اخیر، اداره دینی (مفتی) هر کشور فعالیت مستقل دارد. ائمه مساجد و خطبا که زیر نظر این اداره کار می‌کردند، نفوذ این اداره را در سراسر تاجیکستان گسترش دادند. اداره قاضیات تاجیکستان قبلاً از طریق مرکز روحانی تاشکند از کمک‌های خارجی بهره‌مند می‌شد. چنانچه در ۱۹۹۳ از پانصد هزار جلد قرآنی که عربستان به اداره روحانی داد، صد هزار جلد آن به اداره قاضیات تاجیکستان فرستاده شد و نیز از پنج هزار جلد قرآن هدایی دولت ترکیه ۱۵۰۰ جلد آن به این اداره رسید. اداره قاضیات جمهوری تاجیکستان برای احداث ساختمان‌های مدارس دینی مبلغ قابل توجهی از اداره روحانی آسیای مرکزی وام دریافت کرد و عمارتی نه طبقه مجهز به همه امکانات برای مدارس و ساختمان مرکزی اداره ساخت. طبق آمار تعداد مساجد رسمی تاجیکستان ۱۰۴ باب بود که تحت سرپرستی اداره قاضیات فعالیت می‌کرد. علاوه بر آنها ۲۸۰۰ باب مسجد کوچک در محله‌ها و قصبه‌ها وجود داشت که مسئولیت رسیدگی به امور این مساجد در اداره قاضیات تاجیکستان بود. مدارس که تحت سرپرستی اداره قاضیات اند شامل «معهد عالی» که شعبه‌ای از دانشگاه بین‌المللی اسلامی پاکستان است که وهابیون آن را اداره می‌کنند و هم اکنون ۱۴۲ طلبه در آن مشغول به تحصیل هستند. مدرسه دیگر در شهر خجند است با ۱۱۰ طلبه و مدرسه «مولانا یعقوب چرخ» در شهر دوشنبه که در آن ۱۳۰ طلبه درس می‌آموزند. این مدرسه در کنار مسجد قدیمی پانصد ساله «مولانا یعقوب چرخ» تأسیس شده است.

اداره قاضیات تاجیکستان هفته‌نامه‌ای به نام «منبر اسلام» دارد که در روزهای جمعه با خط سیریلیک منتشر می‌شود و در امور داخلی و دینی و مذهبی خود مستقل است.

در وظایف و دستور کار اداره قاضیات فعالیت سیاسی ثبت نشده است. این اداره با کمک‌هایی از کشورهای اسلامی از جمله پاکستان، عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران، لیبی واردن اداره می‌شود که در صورت فعالیت سیاسی این کمک‌ها قطع خواهد شد. این نهاد زیر نظر دولت است

وسعی می‌کند، به عنوان حزبی سیاسی مطرح نشود.

رهبر اسماعیلیان بدخشان کریم آقاخان است که رهبر تمامی اسماعیلیان در سطح جهان است. تا قبل از استقلال تاجیکستان اسماعیلیان با رهبر خود ارتباطی نداشتند، اما در سال‌های ۳-۱۹۹۲ که تاجیکستان به جنگ‌های داخلی گرفتار بود. وضع اقتصادی کشور وخیم شد و ارتباط ناحیه بدخشان کوهی با پایتخت قطع شد. در این سال‌ها خطر قحطی و مرگ منطقه را فرا گرفت. رهبر اسماعیلیان جهان کریم آقاخان به کمک پیروان خود در کوه‌های پامیر با گشودن راه‌ها مواد غذایی به آنها رساند. این حرکت موجب بیشتر شدن نفوذ و احترام و علاقه اسماعیلیه به رهبر خود شد. در ماه مه ۱۹۹۵ کریم آقاخان رسماً به پامیر سفر کرد و در سر راه خود وارد دوشنبه شد و با رئیس جمهور تاجیکستان امامعلی رحمانف دیدار و گفت‌وگو کرد. رئیس جمهوری تاجیکستان آقاخان را در سفرهای خود به ولایت بدخشان تاجیکستان همراهی کرد و مردم بدخشان با وجود مشکلات اقتصادی و مالی ناشی از جنگ داخلی به گرمی از رهبرشان استقبال کردند.

در شهر خاروغ رئیس جمهور تاجیکستان و کریم آقاخان، درباره چگونگی همکاری بیشتر میان بنیاد آقاخان و حکومت تاجیکستان گفت‌وگو کردند و نیز موافقت‌نامه‌ای فرهنگی و اقتصادی به امضا رساندند.

بعد از آن در ۱۹۹۸ آقاخان بار دوم به دوشنبه و بدخشان رفت و میان دولت تاجیکستان و بنیاد آقاخان موافقت‌نامه‌هایی امضا کردند. هدف از این موافقت‌نامه‌ها آباد کردن زمین‌های بدخشان، رشد اقتصادی و فرهنگی بود. سهم آقاخان در رونق دادن تحصیلات دانش‌جویان بدخشانی در دانشگاه‌های داخلی و خارجی بسیار است. طبق موافقت‌نامه‌های جدید، دانشگاه بین‌المللی آقاخان در خاروغ تأسیس شد. همچنین نماینده شخصی آقاخان به سمت سفیری در تاجیکستان رسید. این دیدارها در شکل دادن به بازیابی مذهبی و هویت مذهبی اسماعیلیه بعد از سالیان جدایی بسیار مؤثر بود.

### ۴- وضع مطبوعات تاجیک، بیان تاریخچه مطبوعات تاجیک در این

نوشتار غیرممکن است، اما ذکر مهم‌ترین ویژگی‌های مطبوعات دوران شوروی بی‌فایده نخواهد بود. با وجود محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که حکومت شوروا برای فرهنگیان ملی ایجاد می‌کردند، این دوره برای شکل‌گیری مطبوعات بسیاری از ملیت‌های شوروی سابق، از جمله برای تاجیکان دوران مهم و مؤثری بوده است. آن‌گونه که محققان و پژوهشگران می‌گویند مردم تاجیک در دوران شوروی صاحب نشریه ملی شدند.



است، به استثنای چند روزنامه و مجله دولتی و نشریات بعضی حزب‌ها، آنها حیات امروزه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه را منعکس نمی‌کنند.

اغلب روزنامه و مجله‌های ثبت شده چاپ نمی‌شود و به دست خوانندگان نمی‌رسند. مثلاً، از چهارصد نشریه ثبت شده، فقط ۱۲۹ نشریه چاپ می‌شوند. البته این وضع به مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه برمی‌گردد؛ مانند نبود کاغذ و دیگر مواد چاپی، ورشکسته شدن روزنامه‌ها، گرانی نرخ‌های امور چاپی و غیره.

سال ۱۹۹۹ در تاجیکستان ۲۴۱ نشریه، ۱۹۱ روزنامه و پنجاه مجله ثبت شده است.»

۵ - نشریه‌های دینی - مذهبی. نشریه‌هایی که در ابتدای قرن بیستم تحت تأثیر افکار پیشرفته جامعه و مطبوعات روسی در مهم‌ترین شهرهای آسیای مرکزی منتشر می‌شدند، روند تأسیس مطبوعات اصلاح‌خواهانه تاجیکی را شدت بخشید. همان گونه که اشاره شد در رأس نهضت فرهنگی و سیاسی «جدیدیه» جدیدان قرار داشتند. البته در این دوره، نشریه‌های مخصوص دینی - مذهبی موجود نبودند، زیرا روحانیون متعصب، چاپ هر مطلبی را غیر شرعی و بدعت می‌دانستند. از نظر آنان چاپ روزنامه و مجله گناهی عظیم بود. مقاومت و مبارزه روحانیون و علمای متعصب بخارا و سمرقند و شهرهای دیگر ترکستان علیه تأسیس و تبلیغ نشریه‌های جدیدیه، واقعه بسیار معروف و مشهوری بود و تفصیل نحوه مبارزه آنان و نتایج این کشمکش‌ها در این نوشتار نیست. برخلاف مقاومت و مبارزه‌های روحانیون متعصب، چاپ روزنامه‌ها و نشریه‌های محلی به زبان‌های ملی ادامه داشت.

از آنجا که جدیدان و معارف‌پروران ابتدای قرن بیستم در ترکستان و امارت بخارا ضد بی‌سوادی و برای بیداری و معرفت میان مردم مبارزه می‌کردند، خواه و ناخواه مطالب بسیاری از موضوعات دینی و مذهبی منتشر می‌شد. درباره این مسئله باید ذکر کرد که بررسی و بیان تاریخ پیامبران، زندگی پیامبر اسلام حضرت محمد (ص)، زندگی حضرت علی (ع)، تفسیر آیات قرآن، تفسیر احادیث پیامبر (ص)، توضیح و تشریح شریعت و جایگاه آن در هدایت مسلمانان، معرفی احکام مذهب (سنی، شیعه، اسماعیلیه و جزآن) از جمله موضوع‌هایی بود که روشنفکران آن عصر در نشریه‌های جدیدیه منعکس می‌کردند. مجله «صراط‌المستقیم» (۱۹۰۸) را که عبدالرحمن سعیدی در ترکیه چاپ می‌کرد، در تبلیغ افکار و اندیشه اسلامی تأثیر چشم‌گیری داشت. در این باره صدرالدین عینی نوشته است: «عبدالرحمن سعیدی، آن چار (چهار) دوست - برادر را با مضمون مجموعه ترکی «صراط‌المستقیم» نیز معرفی می‌کرد که

یکی از ویژگی‌های مطبوعات دوران شوروی این بود که شدیداً تحت نظارت دستگاه مخصوص سانسور به نام «گلاولیت» بود. محقق و پژوهشگر شناخته تاجیک دکتر دوران عاشوروف درباره این ویژگی این‌گونه نوشته است: «خدای نکرده اگر حرفی، کلمه‌ای یا نامی اشتباه چاپ می‌شد، کارمندان به عذاب و شکنجه تشکیلات حزبی گرفتار می‌شدند و حتی بعضی روزنامه‌نگاران معروف برای چنین کردارهای غیر محتاطانه از کار روزنامه‌نگاری اخراج می‌شدند. کار به جایی رسیده بود که سردبیران مجله و روزنامه‌های مرکزی از طرف مسکو و همکاران محلی آنها از طرف حزب کمونیسم تاجیکستان تعیین و از خدمت برکنار می‌شدند.»

از ویژگی‌های دیگر مطبوعات این دوره وابستگی نشریه‌ها و مطبوعات جمهوری‌ها از جمله جمهوری تاجیکستان به مسکو بود. دوران عاشوروف در این باره می‌نویسد: «هیچ مجله و روزنامه‌ای نبود که بدون اجازه مسکو و حاکمان جمهوری تأسیس شده باشد. حتی عوض کردن نام روزنامه و مجله‌ها بدون اجازه آنها صورت نمی‌گرفت. روزنامه و مجله‌های خصوصی وجود نداشت، تعداد نشریه‌های تخصصی هم بسیار کم بود.» از سوی دیگر، با این همه محدودیت‌ها، فشارها، محرومیت‌ها، دوره استقرار حکومت شوروی در شکل‌گیری و تکامل مکتب روزنامه‌نگاری ملی جمهوری‌های سابق شوروی نقش مهمی ایفا کرده است. در این دوره در جمهوری تاجیکستان (۱۹۸۵) نوزده مجله رسمی و با ۶ میلیون و ۵۴۲ هزار نسخه؛ ۷۱ روزنامه مرکزی و ولایتی و شهری و ناحیه‌ای با تعداد ۲۶۵ میلیون و ۴۶۹ هزار نسخه در سال به چاپ می‌رسید.

دوران کسب استقلال از مهم‌ترین مراحل تاریخ مطبوعات تاجیک است. صدور قانون مطبوعات از طرف مجلس عالی هر نوع سانسور را از میان برداشت. صدور قانون مطبوعات مهم‌ترین دستاورد روزنامه‌نگاران تاجیک است. در این سال‌ها روزنامه‌نگاران تاجیکستان حق آزاداندیشی و آزادی سخن یافتند. طبق قانون جدید مطبوعات همه احزاب و سازمان‌های سیاسی، مؤسسات و کارخانه‌ها و هر شهروند جمهوری می‌توانست نشریه‌ای برای خود داشته باشد. هم‌اکنون در این جمهوری به طور رسمی آزادی اندیشه و افکار وجود دارد. تا ۱۹۹۹ در جمهوری تاجیکستان ۴۷۵ نشریه دوره‌ای (روزنامه، مجله، خبرنگارها) از طرف وزارت فرهنگ ثبت شده بود و هم‌اکنون ثبت نشریه‌های جدید در حال گسترش است. این نشریه‌ها، نشریه‌های دولتی و حکومتی، حزبی، سازمانی، نشریه‌های کارخانه‌ای، مؤسساتی، شرکتی، خصوصی و جزآن هستند.

محقق تاجیک دوران عاشوروف ویژگی‌های دوره آخر مطبوعات تاجیک را این‌گونه بیان می‌کند: «سطح کلی مطبوعات خیلی پایین رفته



حکومت ازبکستان در این باره به شرح احتیاج ندارد. تعقیب اعضای حزب اسلام‌گرای «حزب تحریر» در ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و جز آن کشورهای دیگر می‌تواند بهترین نمونه نسبت به سیاسی شدن مسائل اسلام باشد.

در میان همه جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی حکومت تاجیکستان نسبت به مطبوعات دینی - مذهبی و اپوزیسیون‌های خود برخورد منطقی‌تری می‌کند، اگرچه مشکلات نشریه‌های دینی - مذهبی در این کشور امروزه نیز وجود دارد. علت مسالمت‌آمیز بودن حکومت تاجیکستان نسبت به احزاب سیاسی - مذهبی و نشریه‌های آنان را باید در تحولات سیاسی و جنگ‌های تحمیلی که از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۷ در این کشور رخ داد، جست. چنان که معلوم است حزب نهضت اسلامی تاجیکستان (۱۹۹۰) با رهبری عبدالله نوری یکی از مخالفان جدی دولت حاکم وقت و حکومت فعلی جمهوری تاجیکستان بود. وی به خاطر وسعت نفوذش نشریه‌هایی (روزنامه، هفته‌نامه، ماه‌نامه، گاه‌نامه) تأسیس کرد که آنها را به عنوان نشریه‌های سیاسی - دینی - مذهبی جمهوری تاجیکستان می‌توان معرفی کرد.

پیک پیروزی هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی نهضت اسلامی تاجیکستان (نخستین شماره آن مارس ۱۹۹۶ / اسفند ماه ۱۳۷۴) در جمهوری اسلامی ایران با خط سیر لیبیک و فارسی به چاپ رسید. از نامش پیداست که در این نشریه بیشتر مسائل سیاسی - نظامی مربوط به جمهوری تاجیکستان بررسی شده بود، اما چون این نشریه متعلق به حزب نهضت اسلامی تاجیکستان در صفحات آن گاهی مطالب دینی - مذهبی نیز منتشر می‌شد. مقالات و نوشته‌هایی چون: «سیاست در اسلام» (شماره‌های ۱ و ۲)؛ «اخلاق فردی» (شماره ۷)؛ «آموزش‌های قرآن» (شماره ۷، و شماره‌های دیگر)؛ چگونگی تدوین قرآن (ادامه سلسله «آموزش قرآنی» شماره‌های ۱۰ و ۱۱)؛ به طور مستقیم مربوط به اسلام هستند. این نشریه غیر رسمی بود و در جمهوری اسلامی ایران به چاپ می‌رسید.

نجات نشریه رسمی حزب نهضت اسلامی جمهوری تاجیکستان، (شماره ۵۸) در وزارت فرهنگ ثبت شده است و با تعداد ۱۵۰۰ نسخه در دو شنبه به چاپ می‌رسد و در عمل، نشریه سیاسی - اجتماعی و فرهنگی است. علاوه بر مسائل و موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مطالب مفید درباره اسلام، دین و مذهب به چاپ می‌رساند. مقالات و نوشته‌ها، از قبیل: «هدف عالی مومن» (محمد شریف میرزا شریف، ۴ مه ۲۰۰۱)، «بر نمی‌دارد دورنگی، تنت روشندان» (شرح قرآن کریم، شاریح مخلص، ۱۸ مه، ۲۰۰۱)؛ (۱ ژوئن، ۲۰۰۱)؛ «آیا گسترش اسلام با شمشیر بود؟» (حاجی جلال‌الدین محمد، ۱ ژوئن ۲۰۰۱)؛ «تلاوت قرآن - پیوند

اطلاعات مفیدی داشت و مجموعه دینی، علمی، اجتماعی، سیاسی و ادبی بود که با اشتراک بزرگ‌ترین فاضلان مرکز خلافت استامبول منتشر می‌شد.

نشریه‌های جدیدیه، از قبیل: «بخارای شریف» (۱۹۱۲)، «توران» (۱۹۱۳-۱۹۱۲)، «آینه» (۱۹۱۴)، «صدای ترکستان» (۱۹۱۴)، «ترجمان» (۱۹۱۴)، اگرچه به مدت بسیار کوتاه در بخارا به زبان‌های تاجیکی و ازبکی چاپ می‌شد، اما در احیای معرفت اسلام و افکار مسلمانان محلی نقش قابل توجهی از خود بر جای گذاشت. شایان ذکر است که تقریباً در هر شماره این نشریه‌ها مسائل مربوط به دین اسلام به طور مستقیم یا غیر مستقیم توجه می‌شد.

اگر انقلاب بولشویک - سال ۱۹۱۷ و سپس انقلاب ۱۹۲۰ بخارا اتفاق نمی‌افتادند، مطبوعات کشورهای آسیای مرکزی روند طبیعی خود را ادامه می‌داد و یقیناً نشریه‌های تخصصی دینی - مذهبی بخارا و شهرهای دیگر ترکستان تأسیس می‌شدند. اما توسعه افکار کمونیستی و استقرار دولت شوراهای، جلوی روند طبیعی مطبوعات ملی و محلی، از جمله شکل‌گیری مطبوعات دینی - مذهبی را گرفت. در طول بیش از هفتاد سال در جمهوری‌های آسیای مرکزی نشریه‌های تخصصی دینی - مذهبی عملاً وجود نداشت. نشریه‌ها و مجله‌هایی که با نام مفتیات مسلمانان روسیه و آسیای مرکزی در زمان شوروی، به چاپ می‌رسیدند، از دید علم اسلام‌شناسی و علمای دینی اهمیتی نداشت.

مهم‌ترین ویژگی نشریه‌های داخلی «دینی - مذهبی» زمان شوروی از نظر سیاسی - ایدئولوژی تبعیت آنان از دولت و تحت نظارت شدید سازمان‌های امنیت (KGB) بود. نظارت و سانسور بر نشریه‌های دینی - مذهبی (داخلی) در جمهوری‌های سابق شوروی، از جمله در آسیای مرکزی اساساً بعد از زمان «پرسترایکا» (Perestroika) «از نوسازی» شروع شد. البته بررسی و تحقیق نحوه‌های شکل‌گیری مطبوعات دینی - مذهبی در کشورهای مسلمان آسیای مرکزی خود موضوع بسیار گسترده و مشکلی است، به این دلیل که اغلب این نشریه‌ها در مدت کوتاه، بعد از فروپاشی شوروی به ارگان‌های سیاسی و اپوزیستی دولت‌های حاکم تبدیل شد و در نتیجه شدت مبارزه سیاسی و تحولاتی که در کشورهای آسیای مرکزی به وقوع پیوست، بسیاری از نشریه‌های دینی - مذهبی به عنوان نشریه‌های خطرناک و متعصب «پان اسلامیسیم» بسته شدند. هم اکنون پیدا کردن شماره‌های بسیاری از نشریه‌های دینی - مذهبی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان) بسیار مشکل شده است. اخیراً، طبق اخبار رسانه‌ها، نظارت و سانسور بر نشریه‌هایی که در آنها مطالب مربوط به دین و مذهب اسلام چاپ می‌شوند، بسیار جدی شده است. سخت‌گیری‌های



دل هاست» (۸ ژوئن ۲۰۰۱): «دعوت و صفات داعی» (محمد اقبال، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۱)؛ و مقالات دیگر مستقیماً درباره مسائل اسلام است.

شایان ذکر است که مخاطبان این نشریه‌ها قبل از همه مردم عادی هستند. هیچ روزنامه یا نشریه دیگری در نهضت اسلامی تاجیکستان به مسائل و موضوع دین و مذهب نپرداخته است. سطح علمی مقالات بسیار پایین است و مسلماً نمی‌توان نشریه‌های این حزب را کاملاً دینی-مذهبی نامید.

در میان مطبوعات امروز تاجیکستان نشریه چشم انداز قابل توجه است. چشم انداز نشریه رسمی انجمن تحقیقاتی اسلامی الحنفیه است. این هفته نامه تحت شماره ۴۷۸ (۲۰۰۰) در وزارت فرهنگ تاجیکستان ثبت شده و با تعداد سه هزار نسخه به چاپ می‌رسد. سردبیر آن دکتر مرادالله دولت‌اف است.

هفته‌نامه چشم انداز را بی‌هیچ تردید می‌توان به عنوان نشریه پربار و فعال اسلام‌شناسی جمهوری تاجیکستان معرفی کرد. این نشریه در مقایسه با تمامی نشریه‌های دوره‌ای جمهوری تاجیکستان در پخش و تبلیغ اسلام و تفکر اسلامی بیشترین فعالیت را دارد. مقالات و نوشته‌های مؤلفین در سطح مطلوب است، مانند نوشته‌های ذیل:

«در آن سوی دنیا» (مرادالله دولت‌اف، شماره‌های ۲ و ۳، ۲۰۰۰): «تملن اسلام» (ابراهیم عمرزاده، شماره ۱، ۲۰۰۰): «سامانیان: اسلام و خودشناسی ملی» (شماره ۱، ۲۰۰۱): «ترجمه منظوم قرآن مجید» (در چندین شماره): «کلمه‌های فارسی، تاجیکی در قرآن مجید» (شماره ۱، ۲۰۰۱): «شاعران جاهلیه و اسلام» (دکتر خدایار شاخ‌تیاروف، شماره ۲، ۲۰۰۰): «دین‌شناسی و اسلام» (دکتر شیرزاد عبدالغزاده، شماره ۲، ۲۰۰۰): «النجیر دین» (دکتر مرادالله دولت‌اف، شماره‌های ۳-۴، ۲۰۰۱): «اسلام و سیاست» (دکتر دلشاد انارقلایو، شماره ۳، ۲۰۰۱، به زبان روسی)؛ «مواد مخدر و شریعت اسلام» (دکتر شیرزاد عبدالغزاده، شماره ۳، ۲۰۰۱)؛ «بلاغت قرآن و سخنوری انسان» (دکتر عبدالشکور، شماره ۳، ۲۰۰۱)؛ «دین و دولت: دایره مناسبت‌ها» (نویسنده س. احمدوف، شماره ۴، ۲۰۰۱)؛ «پیامبر اسلام در سیستم دینی و فلسفی ولادیمیر سالویاف» (مؤلف س. سلیمانوف، شماره ۴، ۲۰۰۱)؛ «اسلام و موسیقی» (شماره ۵، ۲۰۰۱)؛ «ساختگاری در حدیث» (شماره ۵، ۲۰۰۱)؛ «حنیف» (شماره ۶، ۲۰۰۱)؛ «مشکلات خودشناسی» (مؤلف مرادالله دولت‌اف، شماره ۷، ۲۰۰۱)؛ «غزالی و اقبال» (ا. ضیایوف، شماره ۱۱، ۲۰۰۱)؛ «قصه‌های قرآنی» (عبدالشکور عبدالستار، شماره ۱۱: ۱۲؛ ۱۲: ۱۳)؛ «انسان و فرهنگ» (دکتر سفر سلیمانی، شماره‌های ۱۱: ۱۲؛ ۱۳: ۱۴؛ ۱۴: ۱۵)؛ «اقتصاد اسلامی» (دولت فطری یوف، شماره ۱۲، ۲۰۰۱)؛ «اسلام: می، می‌خوارگی، بانگ و افیون» (ظاهر احراری، شماره ۱۶، ۲۰۰۱)؛ «اسلام و تروریسم» (دکتر مرادالله دولت‌اف، شماره‌های ۲۱: ۲۲، ۲۲: ۲۳)؛ و جزآن

در سطح مطلوب علمی نوشته شده‌اند.

البته باید در نظر داشت که مقاله‌ها و نوشته‌های دینی-مذهبی یا مسائل مربوط به دین اسلام در فصلنامه‌ها و مجلات علمی-تحقیقاتی آکادمی علوم تاجیکستان، دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی-تحقیقاتی پیوسته به چاپ می‌رسند. بیشتر مقالات و نوشته‌ها به قلم دانشمندان و استادان آکادمی علوم و دانشگاه‌ها است. یکی از ویژگی‌های این گونه فصلنامه‌ها و مجله‌ها است که مطالب ارائه شده در آنها اساساً از دیدگاه علم مورد توجه قرار گرفته و جایگاه دیدگاه دین و مذهب در بررسی‌های دانشمندان و محققین کاملاً خالی است.

از سوی دیگر مقالات و نوشته‌های علما و فقه‌های دین یا افرادی که در دانشگاه‌های دینی-مذهبی تحصیل کرده‌اند، در نشریه‌ها به ندرت به چشم می‌خورد، چنین به نظر می‌رسد که علمای دین و فقها یا نمی‌خواهند درباره مسائل دین و مذهب اظهار نظر کنند یا سواد دینی لازم را ندارند. چنانچه، علمای دین در بحث‌های فقهی-فلسفی که در نشریه‌های علمی-پژوهشی دایر می‌شود، شرکت نمی‌کنند. بیشتر آنان با ارائه سخنرانی در مساجد (اساساً در روزهای نماز جمعه) بسنده می‌کنند.

اطلاعات مردم درباره دین و مذهب و مسائل مربوط به آن از طریق نشریه‌ها به دست می‌آید، به همین دلیل دیدگاه علمی-پژوهشی در جامعه تاجیکستان نسبت به دیدگاه صرف دینی-مذهبی در سطح بالاتری قرار دارد و علت این امر نبودن مکتب خاص علوم دینی نه تنها در جمهوری تاجیکستان بلکه در جمهوری‌های دیگر آسیای مرکزی است.

فقدان مکتب دینی خاص از یک سو و نبودن مؤسسات استوار علمی-تحقیقاتی اسلام‌شناسی از سوی دیگر مهم‌ترین عوامل ضعف و عقب ماندگی نشریه‌های دینی-مذهبی نه تنها در جمهوری تاجیکستان بلکه در جمهوری‌های دیگر آسیای مرکزی است. البته در این امر تأثیر سیاست‌های دینی حکومت‌های فعلی جمهوری آسیای مرکزی را نباید نادیده گرفت، زیرا اصول اصلی سیاست همه دولت‌های مشترک المنافع (شوروی سابق) نسبت به مذاهب و دین، جدا کردن دین از کار دولت است، به زبان دیگر «دین از دولت جدا و دولت ناظر دین است».

#### منابع:

- ۱- فرهنگ روزنامه‌ها و مجله‌های تاجیکستان، گردآورنده: دوران عاشوروف. پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی. دوشنبه ۱۹۹۹.
- ۲- مدخل‌های دایرةالمعارف‌های تاجیکستان و ازبکستان (به زبان تاجیکی و ازبکی).
- ۳- مطبوعات و نشریه‌های معاصر تاجیکستان.